

کندوکاوی در زبان دینی: عرفی بودن یا قدسی بودن؟

کنفرانس و پرسش و پاسخ

علی طهماسبی

بزهش گر در متون مقدس

زمان: شنبه چهارم اکتبر ۲۰۰۳ - از ساعت ۱۴/۰۰ تا ساعت ۱۷/۳۰

دانشگاه پاریس ۳ - طبقه اول - سالن ۱۲۳

Université Paris 3 — Salle 123, 13 rue de Santeuil (Paris 5^{ème})

کنفرانس علی طهماسبی

در دانشگاه سوربن پاریس، شنبه ۱۴ اکتبر



نکات و رئوس مطالب

کنفرانس با اشاره به عوارض بحث حادث و یا قدیم بودن قران شروع شد. این دو رویکرد متفاوت پیش

از آنکه در میان مسلمانان باشد قبلا در میان بنی اسرائیل در باره تورات بوده است.

وی سپس برای گشودن این مطلب به تعریف اجمالی و تقسیمبندی های درونی زبان پرداخته و به

نقش این ابزار همچون:

۱. زبان وسیله صوتی منظمی برای ارتباط با هممنوع (که نزد جانواران نیز وجود دارد)؛

۲. زبان تکیه گاه اندیشه؛

۳. نقش عنصر خیال که در چپش خاص خود زبان هنر و ادبیات (بویژه شعر)، رویا و اسطوره را پدید

میاورد؛

۴. و بالاخره به زبان دینی می‌رسیم که به خلق و آفرینش چشم انداز می‌پردازد و خصلتی برانگیزاننده دارد. در همین زبان دینی است که مرزهای زشت و زیبا و خوب و بد شکل می‌گیرد و در جوهر متفاوت است با زبان علمی.

۵. زبان علم که کارش شناخت واقعیت و معیارش بیطرفی است و در آن هرگونه قضاوت ارزشی و جهت‌گیری اخلاقی غایب است.

۶- موضوع زبان دین متوجه شناخت خود عناصر هستی و اشیاء نیست، بلکه به نوع رابطه انسان با این عناصر مربوط می‌شود و حتی آنگاه که به طبیعت می‌پردازد: مثلاً در برابر اینکه هلال شدن‌های ماه چیست؟ پاسخ می‌دهد: «قل هی مواقیت للناس»؛ برای انسان وقت شناسی و غایت اندیشی مد نظر است. در این زبان عناصر هستی، و کاری که انجام می‌دهند برای انسان و در رابطه با سامان یافتن زندگی انسان طرح شده است، چندان که به تعبیر اقبال: «زهره و ماه و مشتری از تو رقیب یکدگر == از پی یک نگاه تو کشمکش تجلیات»

در زبان دینی نام‌گذاری چیزها نیز با همین رویکرد است: «نزد موسی نام چوبش بد عصا== نزد خالق بود نامش اژدها» (مولوی). همچنین ذهن در زبان دینی به نقطه آغاز به عنوان آغازترین آغازها و نقطه پایان بعنوان پایان‌ترین پایان‌ها معطوف می‌شود و زندگی انسان در میان این آغاز و فرجام معنا پیدا می‌کند. غایت اندیشی و آینده‌نگری ویژگی اصلی بیش دینی است.

متون دینی برغم اشتراکشان در گوهر معنا، تفاوت‌هایی در ساختار صورت و شکل خود دارند که حل این تفاوت‌ها را می‌توان با تفاوت‌های زمان و مکان مرتبط دانست. قرآن باید به بستر شکل‌گیری او که زبان عربی فصیح است، توجه کرد. زبان عرب بزرگترین مایه‌ی افتخار عرب بود که مدعی بود زبانش به روشن‌ترین

شکل رساننده‌ی معانی است. اعراب که از مواهب دنیوی تنها همین قدرت شعر و زبان را داشتند، بدان فخر میورزیدند. شعر، شمشیر و شتر سه علامت شاخص روح و دنیای عرب بودند.

در همه زبانها، از میان همه لهجه‌های محلی یکی بدل به "زبان معیار" میشود. در عربستان لااقل از حدود ۲۰۰ سال پیش از بعثت، مقدمات شکل‌گیری زبان معیار فراهم شد و این به دلیل مراکزی بود همچون بازار عکاظ و انجمن‌ها و نشست‌هایی که طی آن شاعران قبایل جمع می‌آمدند و آثار خود را عرضه می‌کردند. در ماه ذی قعدة (ماه نشست) این انجمن‌ها برگزار می‌شد. اینچنین بود که زبان عربی فصیح برای تدقیق تلفظ واژه‌ها به ۲۸ حرف الفبایی گسترش یافت و نسبت به الفبای عبری، دارای ۷ حرف اضافه شد.

شاعر، جانشین کاهن، وجدان مغفوله‌ی قبیله و سخنگوی ناخودآگاه قوم بود. همچنین «کلمه» به‌عنوان اسلحه شاعر، در برابر قبیله مخالف، ابزاری قدرتمندتر از شمشیر شمرده می‌شد. هرشاعری یک نیروی غیبی (جن) همراه داشت و هرشاعری جن ویژه خود را داشت. جن یعنی پوشیده، جنین، پوشیده در رحم مادر. این اعتقاد که هرشاعری با جنی مخصوص خودش ارتباط دارد مانند اعتقاد به فرشته وحی به نام «توم» نزد مانی بود. واژه «توم» احتمالاً به معنای توام یا همراه بود که جفت معنوی او به‌شمار می‌رفت. نشانه‌های بسیاری دردست است که از نگاه عرب جاهلی بطور کلی یک عالم غیب (ناپیدا) وجود داشت که در برابر عالم شهادت قرار میگرفت. وجود واژگان دیگری مانند «عین» و «بصر» «آذان» و «سمع» و.. نشان می‌دهد که تقسیم جهان هستی به دو قلمرو ماده و معنا چیزی بوده که قبل از نزول قرآن برای عرب شناخته شده بوده است.

بنا براین، انسان دو ساحتی و جهان‌معنا و جهان‌ماده، در زبان عرب قبل از اسلام هم وارد شده بود. در یک جامعه‌ی نانویسا که سخن شاعر مکتوب نمی‌شود، برای حفظ دقیق کلام، پدیده «نظم» و سخن منظوم

یکی از مهمترین روش‌های حفظ آن بوده است مانند آنچه که ما امروز در قصیده‌های مشهور به معلقات می‌یابیم. در قصیده (در حدود مثلا ۲۴ بیت و هر بیت دو مصرع و...) و محورهای عمودی و افقی آن و در اوزان دقیقی که متر اندازه و معیار وزن کردن کلام را بدست می‌داد. و حتی برخی از شعرای یهود هم که در حجاز ساکن بودند به عربی شعر می‌گفته‌اند. در مضامین شعر دوره جاهلی نشانه‌هایی از اعتقاد برخی شاعران به الله، قیامت و روز داوری دیده می‌شود مانند قصیده منسوب به زهیر که در آن هم نام الله هست هم قیامت و هم داوری خدا در آن روز.

به نظر می‌رسد که اهل زبان برای معنا کردن واژگانی که امروزه اسم معنا شمرده می‌شود مناسب‌ترین روش را برگزیده بودند. در این روش اغلب اسم‌های معنا دارای یک نماد مادی و عینی بوده است. مثل واژه «عقل» که جفت مادی و عینی آن «عقال» بوده است، یا واژه «روح» که با نماد مادی آن «ریح» شناخته می‌شده است «ریح»، یعنی نسیم. ما می‌توانیم وزش نسیم را بر پوست خود حس کنیم، بازی او را با گوشه لباس خود یا با اشیاء ظریف و نازک ببینیم و هنگامی که باد یا نسیم خشمگین می‌شود ببینیم که چگونه طوفانی به پا می‌کند. اما نسیم با آنکه قابل حس است ولی نمی‌توان آن را همچون جانوران صحرا صید کرد و در دست خود نگه داشت. بنا براین «ریح» این پدیده سیال، ناگرفتنی و مرموز، که مادی هم هست می‌تواند وسیله‌ای برای آن باشد تا اهل زبان معنای «روح» را که به امور غیب نسبت داده می‌شود تا حدودی متوجه شود. یا نسبت اسم معنای «عجله» با عجل (گوساله) در داستان و اهل زبان برای فهم معنای این واژگان، با معطوف کردن ذهن خود به نمونه عینی و مادی آن، معنای دقیق آن واژه را درمی‌یافتند. اهمیت این نمادهای عینی و مادی برای اسم‌های معنا آن است که ذهن اهل زبان در جاده ی لغزنده ی معنا از مقصود اصلی دور نمی‌افتد.

از آنجا که زبان دینی به امر خوب و بد، زیبا و زشت و حق و باطل می‌پردازد، بیشتر به «قلب» و قلمرو باطن و غیب آدمی راه می‌برد نه به مغز و عرصه‌های خودآگاه (در مدرنیته). زبان دینی در همه‌ی ادیان زبانی رمزی و نمادین است که برای خلق چشم‌انداز تازه‌ای شکل می‌گیرد. از این جهت زبان دینی مانند زبان رویاهای صادق است و همان‌گونه که رویا نیاز به تاویل دارد، زبان دینی هم که با رؤیای رسولان آغاز می‌شود نیاز به تاویل دارد. به همین جهت بسیاری از انبیاء بنی اسرائیل رائی نام داده‌اند. سرگذشت محمد رسول نیز در اولین مواجهه با وحی از همین ویژگی‌ها حکایت می‌کند.

علاوه بر آنکه زبان قرآن - به عنوان یکی از زبان‌های دینی - در خلق چشم‌اندازی برای فرجام انسان است همچنین مخاطب را به متن‌های دینی پیش از خود ارجاع می‌دهد. یعنی به تورات و انجیل و به داستان‌های مربوط به رسولان و امت‌های پیشین. اما این ارجاع دادن به معنای تکرار همه متون گذشته نیست بلکه به نوعی رفرانس دادن می‌ماند تا گوهر یگانه دین را در نزد رسولان یاد آور شود.

شرح کامل این بحث به نام «زبان دینی» بخشی از کتابی تحت عنوان «مواجهه با متن و تاویل متن قدسی» آماده شده است که شاید به زودی منتشر شود.

xxx

زندگی‌نامه و آثار

علی طهماسبی

متولد مشهد در ۱۳۲۴. از دوران جوانی با نهضت نواندیشی دینی (و درس ها و نظریات دکتر شریعتی از اواخر دهه چهل) آشنا و با قرآن محشور شد. او پس از آموختن جامع المقدمات زبان عرب و... به برپایی جلسات منظم قرآن شناسی در مشهد، از سالهای ۱۳۳۸ بدینسو، همت گماشت. در همین مسیر بود که از حدود هجده سالگی، متوجه ضرورت شناخت پیش زمینه ها و اشارات قرآن به عهدین و بویژه تورات (بالاخص کتب پنجگانه، و کتاب های ایوب، غزلهای سلیمان، اشیاء، و...) شد. بمنظور دست یابی به روش شناسی علمی طی سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۴ در دانشگاه مشهد به تحصیل در رشته ی ادبیات فارسی و واحدهای زبانشناسی عمومی مشغول شد.

در دوران اولیه ی انقلاب مدتی مسئول بخش فرهنگی جهاد سازندگی خراسان بود و در تشکیل شوراهای شهر و روستا فعالیت داشت. هنگامی که دید ادامه خدمت در آن چارچوب نامیسر است، کناره گرفت و از آن پس، وقت خود را وقف کار فرهنگی مستقل ساخت. پس از شهادت حسین برازنده در مشهد و حاکمیت جو تفتیش و تهدید از سوی قشریون مذهبی، عرصه بر ادامه ی کار او تنگ شد.

از آن پس، توسط استاد یوسفی اشکوری برای همکاری با «دفتر پژوهش های فرهنگی دکتر شریعتی» به تهران دعوت شد و در این مرکز به تدریس و پژوهش پرداخت. پس از بسته شدن دفتر، در «انجمن اسلامی مهندسین» به ادامه ی کار پرداخت و پس از تعطیل آنجا، در تالار کتابخانه حسینیه ارشاد جلسات آموزشی خود را پی گرفت.

گذشته از مقالات متعدد، مهمترین آثار وی را میتوان چنین برشمرد:

۱. نگاهی دیگر به مفاهیم قرآن، زمستان ۱۳۶۰ (اولین اثر)

۲. بودن دشوار آدمی (شامل مقالات ادبی، درباره فردوسی، هدایت و ..)

۳. مثل مردمک چشم (مصاحبه)

۴. دغدغه های فرجامین (در معنا شناسی واژه ی دین)

۵. مواجهه با متن و تأویل متن قدسی (انتشار محدود)

۶. اندوه یعقوب (آخرین اثر)

کتابهای دیگری از ایشان مانند: « اسطوره آفرینش انسان»، «درباره مریم» (از انجیل تا قرآن - ۴۰ آیه ی

سوره مریم)، کتاب ایوب، حج (درباره ی سمبولیسم و نمادها و..)، نیز در دست انتشار اند.

xxx